

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشتریان: ۸۸۹۰۲۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌سان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۳۲۷۲۵

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۸ اسفند ۱۴۰۱ • ۶ شعبان ۱۴۴۴ • ۲۷ فوریه ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۰۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۴ • اذان مغرب ۱۸:۲۸
اذان صبح فردا ۴:۵۴ • طلوع آفتاب ۶:۱۷

شترق

دیالوگ روز

بهرام بیضایی- **(بهلولان اکبر میمیرد-۱۳۴۲)**

های! بزن نزن. بزن نزن.

چه نیکو می‌زنی نزن.

بزن این شهر در خواب است!

بزن این قلب بی تاب است!

بزن نزن که آواز تو هم شنیده می‌ماند.

اقتصاد تعرفه-۲

برقراری تعادل



بابک زمانی
نورولوژیست

به نظر می‌رسد برخی مطالب که به اختصار در یادداشت اقتصاد تعرفه هفته گذشته مطرح شد، نیاز به تفصیل بیشتری دارد تا به جای افزودن بر ابهامات، قدم کوچکی در رفع آنها بردارد.

اول، مقصود از کلمه اقتصاد در اینجا بیشتر به معنای تعامل اجزای مختلف با یکدیگر است؛ همان‌گونه که فوکو از اقتصاد قدرت صحبت می‌کند. اجزای مختلف قدرت که با یکدیگر به نوعی تعادل می‌رسند. در این سیستم کسی که بر او قدرت اعمال شده هم به نوعی در این تعادل و اقتصاد دخالت دارد. فوکو می‌گوید اقتدار عریان دیرین در دنیای مدرن استحکام و شدت بیشتری می‌یابد اما غیرقابل رؤیت‌تر و ناملموس‌تر می‌شود و آن‌که بر او اقتداری وارد می‌شود هم خود پذیرای آن است. اقتصاد به این معناست که همه چیز با هم به تعادلی می‌رسد که امروز را فردا می‌کند. موضوع یادداشت این بود که در بحث تعرفه چنین تعادلی برقرار شده است.

دوم آنکه وقتی صحبت تعرفه می‌شود همه بلافاصله آن را به درآمد پزشکان مربوط می‌کنند و این‌طور به نظر می‌رسد که گویا افزایش تعرفه‌های پزشکی به درآمد بیشتر پزشکان و تعرفه‌های پایین به کاهش درآمد ایشان منجر خواهد شد و از همین‌رو است که پزشکان خواهان افزایش تعرفه در شرایطی هستند که بحران اقتصادی فراگیری کشور را در بر گرفته و پزشکان بی‌آنکه غم مردم داشته باشند، خواهان درآمد بیشتر از طریق دریافت‌های بیشتر هستند. این گزاره صحیح نیست؛ با تعرفه‌های پایین پزشکان امکان درآمد راحت‌تر و بیشتری خواهند داشت، به‌خصوص اگر نظارت کیفی بر کار پزشکی وجود نداشته باشد. موضوع مهم آن است که در چنان شرایطی درآمد نسبت معکوس با اصول‌گرایی پزشکان خواهد داشت. ویژگی‌هایی فله‌ای بدون کیفیت راحت‌تر خواهند بود. پس از مدتی بسیاری از پزشکان حوصله و تمایل به یک کار استاندارد را از دست داده، شرایطی را که امکان و قدرت اخلاقی نظارت کیفی وجود ندارد، آسان‌تر خواهند یافت. بی‌تردید تعرفه‌های پایین تیغه اخلاقی نظارت کیفی بر کار پزشکی را هرچه کند و کندتر می‌کند. وقتی کسی از دست‌فروش‌های «همه چیز یک تومان» خرید می‌کند، بدیهی است در فکر کیفیت آن نخواهد بود.

نکته سوم مغفول‌ترین نکته است. هیچ کس توجه نمی‌کند که نرخ اشیا بر کیفیت آنها تأثیر می‌گذارد و این نرخ چیزی است که از میادله به دست می‌آید. وقتی به هر دلیل نرخ یک ویژگی پزشکی در بخش خصوصی با نیروی دولتی و نه با نیروی بازار کاهش داده می‌شود، این به آن معناست که نرخ خدمات در بخش دولتی هم به همان منوال کنترل می‌شود و وقتی نرخ خدمات در سیستم دولتی و دانشگاهی کاهش یافت بر میزان منابع مالی‌ای که به سلامت اختصاص پیدا کرده و به تبع آن بر کیفیت خدمات تأثیر خواهد گذاشت. از همین‌رو است که باید گفت جوامع پزشکی در بحث تعرفه بیش از دریافتی پزشکان کیفیت خدمات در بخش دولتی و دانشگاهی را در نظر دارند.

نکته چهارم آنکه همه‌جا در یادداشت از ویژگی صحبت می‌شود و تعرفه سایر خدمات پزشکی مدنظر قرار نمی‌گیرد. این از آن جهت است که ویژگی ساده یک پزشک عمومی، واحد پایه خدمات انسانی در کار سلامت به شمار می‌رود. بر اساس همین واحد پایه است که می‌توان خدمات انسانی متخصصان و خدمات انسانی پزشکان را وقتی کارهای دیگری می‌کنند مورد محاسبه قرار داد. بخش انسانی خدمات سلامت بدون محاسبه واحد پایه ویژگی قابل محاسبه نیست و در هزینه‌های مربوط به دستگاه‌ها و اماکن و خدمات دیگر کم می‌شود. بدون رسیدن به یک تعرفه واقعی پزشک عمومی، محاسبه ارزش خدمات سلامت یک جراح قلب، یک رادیولوژیست، یک متخصص پزشکی اجتماعی و… غیرممکن خواهد بود و بالاچار تحت تأثیر عوامل متعدد دیگری مثل قیمت دستگاه و محل ارائه خدمت از روشنایی آن کاسته شده و افتراق سود سرمایه از اجرت نیروی کار دشوارتر و دشوارتر خواهد شد.



مرد امید و مدارا



نسرین وزیری

شاید بارها شنیده یا گفته باشید که باید مجسمه فلائی را به‌عنوان سمبل فلان چیز ساخت. من یکی بارها گفته‌ام که نام مجسمه دکتر هادی خانیکی عزیز را به‌عنوان سمبل «امید» ساخت. حتی باور دارم «امید» هم در مقابل او که این روزها با جسمی شیشه‌ای اما اراده‌ای فولادین در نبرد با سرطان است، کم آورده است. «امید» چنان در عمق نگاهش خانه کرده که کاش می‌شد آن را «تاکسیدرمی» کرد.

البته امید تنها واژه‌ای نیست که یادآور او باشد؛ آن‌قدر که نام هادی خانیکی با «جامعه مدنی» و «گفت‌وگو» گره خورده، جسمش با «سرطان» گره نخورده است. زندگی او را در سه زیست‌جهان می‌توان خلاصه کرد: سیاست‌ورزی، دغدغه‌مندی اجتماعی و علم و دانش.

دانش‌آموز کوشای مدرسه که در نوجوانی تصور می‌کرد با علم‌آموزی به‌ویژه «علوم پایه» می‌تواند به همونوعاش خدمت کند، با ورود به دانشگاه و آشنایی با حساسیت‌های جامعه و شرایط حکمرانی زمانه، قدم در راه سیاست نهاد و دهه دوم عمرش صرف زیست‌جهان اول یعنی «سیاست‌ورزی» شد که تا مرز فعالیت‌های رادیکال چریکی نیز پیش رفت.

شرایط گریزپذیر و گریزناپذیر پس از پیروزی انقلاب، دو انقلاب مؤثر را در زندگی او پدید آورد: نخست، ورودش به فضای آموزشی با معلمی در مدرسه که سرآغاز تمرینش برای «گفت‌وگو» بود و دوم، حضورش در عرصه رسانه در امتداد همان مسیر. این‌گونه بود که او وارد دومین زیست‌جهان خود یعنی دغدغه‌مندی اجتماعی در فضای فرهنگ و اندیشه شد. خانیکی جوان مسائل سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی را در سطحی عمیق‌تر و حرفه‌ای‌تر دنبال کرد؛ تا آنجا که همکاری‌اش با روزنامه کیهان در دوره مدیریت سیدمحمد خاتمی از سطح کیهان فرهنگی فراتر رفته و منجر

پیشخوان

آموزش و پرورش انسانی‌نگر

بعد از مدت‌ها انتظار، کتاب آموزش و پرورش انسانی‌نگر مجوز چاپ گرفت و منتشر شد. کتاب «آموزش و پرورش انسانی‌نگر» حاصل دو دهه کار پژوهشی و اجرایی در حوزه آموزش کودکان و نوجوانان با الگوی متفاوت دیگری است.

این کتاب با ۵۷۰ صفحه به نوعی منبع مرجعی برای شناخت اصول و مبانی آموزش و پرورش انسانی‌نگر است. این کتاب برای همه مراکز آموزشی، مدارس، مهد‌های کودک و… که انتخاب کرده‌اند مسیر متفاوتی را تجربه کنند، منبعی قابل اعتماد است. نکته مهم منبع فوق در این است که تمام موارد مطرح‌شده در آن بر اساس کار اجرایی و عملیاتی است؛ یعنی همان‌قدر که مبتنی بر نظریه است، پیشنهادهای کاربردی برای علاقه‌مندان دارد. این کتاب تهیه شده در مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا در انتشارات کارگاه کودک است و علاقه‌مندان برای تهیه این کتاب می‌توانند با کتابکده قصه و افسانه تماس بگیرند.

مولدسازی در «نیم‌روز»

شماره جدید «نیم‌روز» منتشر شد. شماره ۲۸ و ۲۹ این نشریه فرهنگی اقتصادی در ۴۴ صفحه دربرگیرنده مطالبی از چهره‌های شناخته‌شده همچون عباس عبدی، محمدعلی ابطحی، مسعود رضوی فقیه، فرشاد مؤمنی، طه هاشمی و… است. عکس روی جلد آن به محمدجواد جنتی‌کرمانی اختصاص دارد و مطالبی درباره او و تأثیرش در سال‌های اخیر نوشته شده است. همچنین این نشریه پرونده‌ای درباره

مولدسازی تهیه کرده است و گزارش و مقالاتی با عنوان «صوبه مولدسازی یک رویه فاسد است»، «توطئه علیه قانون»، «مولدسازی، بر مشکلات می‌افزاید» و «مردمی‌سازی مولدسازی، ضرورتی غیرقابل‌انکار» در آن به چشم می‌خورد. عباس عبدی نیز یادداشتی با عنوان «آیا آینده ادامه گذشته است» نوشته و یادی از سیدمحمد هاشمی استاد حقوق نیز در آن قرار دارد. صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول آن محمدجواد حق‌شناس است و محمد ولی‌زاده و مرتضی رحیم‌نواز سردبیران آن هستند.

به راه‌اندازی «کیهان سال»، مجله علمی پژوهشی «رسانه»، «نامه فرهنگ» و در نهایت «دفتر دانش» شد که محلی برای مسئله‌دانشگاه در جامعه بود.

حضور در فضای رسانه بار دیگر در او احساس نیاز به ادامه تحصیل آفرید؛ اما این بار در حوزه ارتباطات. به این ترتیب تحصیلات ناتمام و پراکنده آکادمیک او این بار در رشته ارتباطات ادامه یافت تا هادی خانیکی را وارد سومین زیست‌جهان خود یعنی «علم و دانش» کند.

به این ترتیب او که تا این مقطع از زندگی خود را در فضای تجربی گذرانده بود، وارد فاز نظریه‌پردازی شد و کرسی «ارتباطات توسعه» را در این رشته پایه نهاد. نخستین جرقه را توسعه‌نیافتگی مطبوعات ایران در ذهن او ایجاد کرد تا ذهن پرسشگرش موانع ارتباطات اثربخش را در فضای فراتر از فضای رسانه‌های بکاود. اینجا بود که نسبت بین قدرت و مطبوعات و جامعه مدنی در باورهای او پررنگ و پررنگ‌تر و در نهایت به موضوع کارشناسی ارشد وی بدل شد.

اندیشه خانیکی از اوایل دهه ۷۰ به امور میان‌رشته‌ای از سیاست و جامعه‌گرفته تا فرهنگ و… جلب شد که حاصلش

کتاب قدرت جامعه مدنی و مطبوعات است. او در این کتاب تمرکز قدرت در دو دوره مشروطه و سلطنت پهلوی اول را مطالعه کرده و چنین نتیجه گرفته که هرگاه قدرت در ایران متمرکزتر بوده، مطبوعات توسعه‌نیافته‌تر بودند و هرگاه قدرت در ایران دموکراتیزه شده، جامعه مدنی نمود و بروز یافته و جانی دوباره در کالبد مطبوعات دمیده شده است. دستاورد دیگر او در این کار پژوهشی آن است که «فرهنگ سیاسی نخبگان» سازوکارهای حل اختلاف را در هرکدام از این برهه‌ها تشدید یا تضعیف کرده‌اند.

این آموخته علمی از آن پس سرمشق زندگی خانیکی به‌ویژه در عرصه فعالیت‌های سیاسی و مدنی شد و همتش را بر تقویت بنیان‌های جامعه مدنی گمارد؛ از حضورش در تشکل‌های سیاسی و حزبی گرفته تا دوره‌می‌های فارغ‌التحصیلان و قس‌علی‌هذا.

دغدغه خاطر او درباره «مزیت جامعه مدنی»، آبستن دغدغه پسین او یعنی «گفت‌وگو» بود. او که به علل ضعف جامعه مدنی می‌اندیشید، دریافت که ضعف در همکاری افراد و گروه‌ها و… در ناتوانی آنها در «گفت‌وگو»



عکس: صمیم باقری

گذشته‌خوانی

توجه بین‌المللی به یک مدرسه

محمد بلوچ‌زهی درباره مدرسه سیدبار در سیستان و بلوچستان نوشته است؛ مدرسه‌ای که توانسته جزء ۱۵ ساختمان برتر جهان قرار گیرد. آذرماه امسال بود که این خبر منتشر شد که مدرسه سیدبار توانسته جزء یکی از پروژه‌های برگزیده معماری جهان قرار گیرد. این مدرسه که به عنوان صدمین مدرسه ابتدایی پوش «ایران من» به همت خیرین و با حمایت فعالان بخش خصوصی، در روستای «سیدبار جدگال» شناخته می‌شود، یکی از مدارسی است که در استان سیستان و بلوچستان همراه سال گذشته افتتاح شد. مدرسه «ایران من ۱۰۰» هم‌زمان با آغاز سال تحصیلی جدید با حضور افراد محلی و دانش‌آموزان روستا به بهره‌برداری رسید. پوشش مدرسه‌سازی «ایران من» از سال ۱۳۹۳ با همت جمع بزرگی از کارآفرینان و فعالان اقتصادی آغاز به کار کرده و ساخت صد مدرسه ابتدایی را در استان‌های کمتربرخوردار کشور در دستور کار قرار داده است. نام همه مدارسی که با حمایت این پوشش ساخته می‌شوند، «ایران من» گذاشته می‌شود تا بستری برای تقویت هویت ملی و سرمایه‌گذاری روی اشتراکات فرهنگی باشد. این پروژه با رویکرد توسعه درون‌زا و با نگاه چندکاربردی به فضای کالبدی مدرسه از سال ۱۳۹۶ آغاز و بعد از مراحل پژوهشی و بررسی‌های محلی فاز اجرایی آن در روستای سیدبار جدگال از بخش یلان چابهار اجرا شد. «مدرسه ایران من ۱۰۰» با چهار کلاس درس، یک کتابخانه و کارگاه مخصوص سوزن‌دوزی طراحی و اجرا شده است. در کنار پروژه ساخت این مدرسه، طرح توانمندسازی مردم روستا از طریق ایجاد صندوق توسعه روستایی «بانوک» نیز اجرایی شده است.

بلوچ‌زهی نوشته است: «این روزها جامعه ما از هر سو با بمباز بی‌سابقه و بی‌امان اخبار بسیار ناراحت‌کننده و استرس‌زا مواجه است و در چنین شرایط و وضعیت بفرنجی کمتر کسی دل و دماغ خواندن خبرهای خوب را دارد و این نوع اخبار در لابه‌لای انبوه مطالب مایوس‌کننده و سیاه‌گم خواهند شد و از دید پنهان، حال در همین میان یک وبگاه معتبر معماری جهان برندگان جوایز ساختمان سال خود را در ۱۵ دسته‌بندی مختلف از بین بیش از چهارهزارو ۵۰۰ پروژه دریافتی اعلام کرده که در بین ۱۵ برگزیده این جایزه جهانی، پروژه



• صبح شنبه یک ساختمان تجاری و اداری هفت‌طبقه در خیابان طالقانی طعمه آتش شد که عملیات اطفای حریق آن تا شامگاه به طول انجامید. در این این حادثه رئیس ایستگاه ۱۲۰ آتش‌نشانی تهران حین انجام وظیفه به شهادت رسید. عکس: احمد معینی چم، ایرنا

است؛ مضاف بر اینکه ساختارهای اجتماعی و فرهنگی کشور چندان به افق گفت‌وگو گشوده نیست. این درستی همان زمانی بود که او و دوستانش در نشریه کیان، اندیشه اصلاح‌طلبی را بنیان نهاده و در سال ۱۳۷۶ به پیروزی رساندند. پیروزی جنبش اصلاحات به خانیکی میانسال این فرصت را داد که دغدغه‌هایش را این بار در سطحی اجرایی در وزارت علوم پی بگیرد. کم‌اینکه با فراهم‌آوری زمینه تأسیس نهادهای علمی، فرهنگی و صنفی؛ انجمن‌های علمی و نشریات دانشجویی و… در کسوت معاونت وزارت علوم، عملاً «جامعه مدنی» را در حوزه دانشگاه تعریف کرد. ایجاد نهادهای مشارکتی با حضور دانشجویان و دانشگاهیان، ترجمان دغدغه‌های خانیکی در وزارت علوم بود. نهادهایی که برخلاف گذشته دستوری و از بالا به پایین شکل نگرفته بودند.

نهایتاً زندگی در این سه زیست‌جهان متفاوت، او را بر «ارتباطات و توسعه» متمرکز کرد. فراغت از مسئولیت‌های اجرایی، فرصتی دوباره به او داد تا بار دیگر به فضای آکادمیک بازگردد؛ در «عره ملی» قرابت بیشتری با اندیشه‌های مرحوم مجید تهرانیان و مرحوم کاظم معتمدنژاد به‌عنوان دو نفر از بنیان‌گذاران ارتباطات توسعه در علم و عمل یافته و در «عره بین‌المللی» قربانی با اندیشه‌های مانوئل کاستلر، مبدع ارتباطات شبکه‌ای یافت. از همین‌رو تز دکتری وی رنگ و بوی گفت‌وگوی تمدن‌ها گرفت؛ درباره اینکه چه شد که جهان آماده شنیدن گفت‌وگوی تمدن‌ها شد. خانیکی در رساله‌اش از دریچه ارتباطات به تحولات فناورانه و پارادایم نوین ارتباطات توسعه نگریسته و جایگزینی ارتباطات افقی در ازای ارتباطات عمودی را کاویده است. تلاقی دو مقوله «گفت‌وگوی تمدن‌ها» و «ارتباطات توسعه»، نه‌فقط در این رساله بلکه سال‌های بعدی زندگی خانیکی را هم به خود مشغول کرد؛ آن‌گونه که همواره در پی این سؤال باشد که مسئله امروز جهان و مسئله ایران چیست؟

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های خانیکی با هم‌عصران خود چه در فضای آکادمیک و چه در عرصه سیاست همیشه این بوده که فاصله‌ای میان علم و عملش نیست و یافته‌هایش بعینه در افکار و رفتارش جاری است. عمرش زیاد باد.

